



شماره : 22

نشریه اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ذکاء

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

فصل برای دانشجویان

تاریخ: 2014/10/30

(ایمان و جامعه)

دین مبین اسلام به روابط اجتماعی اهمیت و منزلت خاصی قایل است الله متعال در کتاب مجیدش می فرماید : [أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ] (کسانی که به دین و آئین ، و سزا و جزا (در پیشگاه خدا) ایمان ندارند ، می فهمی که چگونه کسانی ؟) ماعون - 1

[فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ] (آنان کسانی که یتیم را سخت از پیش خود می رانند .) ماعون - 2

[وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ] (و دیگران را به سیر کردن) و به خوراک دادن مستمندان تشویق و ترغیب نمی نمایند.) ماعون - 3

[قَوْلٍ لِلْمُصَلِّينَ] (و او بلا به حال نمازگزاران !) ماعون - 4

[الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ] (همان کسانی که نماز خود را به دست فراموشی می سپارند.) ماعون - 5

[الَّذِينَ هُمْ يَرَاوُونَ] (همان کسانی که ریا و خودنمایی می کنند.) ماعون - 6

[وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ] (و از دادن وسایل کمکی ناچیز (منزل که معمولاً همسایگان به یکدیگر به عاریه و امانت می دهند) خودداری می کنند و (از یاری و کمک به مردمان) دریغ می ورزند .) ماعون - 7

نصف اول این سوره مبارکه تصویر حال کافر است یعنی کسی که از یتیمان و مستمندان دستگیری نکرده و در این خصوص دیگران را تشویق و ترغیب نمی نماید در حقیقت کافر بوده ، لقای الله جل جلاله را تکذیب می کند، زیرا اگر به ذات الله تبارک و تعالی و روز جزاء ایمان می داشت ، یتیمان را اکرام نموده و از آنچه که خدا برایش انعام کرده است ، محتاجان را بی بهره نمیداشت و از تبلیغ و ترغیب در این راه دریغ نمی ورزید.

و در آیات بعدی سوره مذکور ، اشخاص ظاهر پرست مورد نکوهش و سرزنش قرار گرفته اند که اگر نماز می خواندند برای اقناع دیگران است که گویا از جمله نمازگزاران بوده و به شعائر دین پایبندی و التزام دارند ، و اگر این گروه منافق و ریاکار را نبیند در آن صورت از نماز غافل شده آنرا ضایع می کنند، پس این نوع نماز با ریا در سلوک اجتماعی آنها تأثیر سازنده ای نداشته بلکه به فساد قلب دلالت

می‌کند که در اثر آن از معونت و مساعدتی که بایست صاحب عقیده اسلامی برای انسانیت انجام دهد سرباز می‌زنند.

اسلام قویترین رابطه را میان عقیده سالم و واجبات اجتماعی امر می‌کند ، قرآن حالت زشتی کسی را که به الله متعال ایمان ندارد و بر مساکین مهربان نبوده و دیگران را در این راه تشویق نمی‌کند ، چنین به نمایش می‌گذارد.

[خُدُوهُ فَعَلُوهُ] ((خدا به فرشتگان نگهبان دوزخ دستور می‌فرماید :) او را بگیرد و به غل و بند و زنجیرش کشید.) الحاقه - 30

[ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوهُ] (سپس او را به دوزخ بیندازید.) الحاقه - 31

[ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ] (سپس او را با زنجیری ببندید و بکشید که هفتاد ذراع درازا دارد.) الحاقه - 32

[إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ] (چرا که او به خداوند بزرگ ایمان نمی‌آورد.) الحاقه - 33

[وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ] (و مردمان را به دادن خوراک به بینوا ، تشویق و ترغیب نمی‌کرد.) الحاقه - 34

ای برادران ! آیا مشاهده نمی‌کنید که در آیات فوق الذکر، ایمان نداشتن به خداوند متعال با ترغیب نکردن به طعام دادن محتاجین ، مقرون و بهم پیوسته ذکر شده است ، و در آیات بعدی جزاء از جنس عمل را توجه فرمائید :

[فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ] (لذا امروز در اینجا یار مهربانی ندارد.) الحاقه - 35

[وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ] (و خوراکی هم ندارد مگر از زردابه و خونابه (دوزخیان).) الحاقه - 36

[لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ] (چنین خوراکی را جز بزهکاران نمی‌خورند.) الحاقه - 37

آیا این طبقه مترف که شکم‌های خود را با انواع و اقسام طعام و شراب پر نموده اند ، و بینوایان و مستمندانی را که از فرط قحطی جان‌های عزیز را از دست می‌دهند ، نادیده پنداشته اند ، سزاوار جزای فوق الذکر الهی نیستند؟ این چنین است رابطه ایمان و جامعه از دیدگاه اسلام.

لطفاً به آیات مبارکه ذیل توجه نمائید :

[فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ] ((ما که دو راه پیش پای انسان نهاده‌ایم ، آن کس که ناسپاس است) او

خویشتن را به گردنه (رهائی از شقاوت و رسیدن به سعادت) نمی‌زند(و آن را پشت سر نمی‌گذارد).) البلد - 11

[وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ] (تو چه می‌دانی آن گردنه چیست ؟) البلد - 12

[فَكُ رَقَبَةً] (آزاد کردن برده و بنده است.) البلد - 13

[أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ] (یا خوراك دادن در زمان گرسنگی (قحطي و خشکسالی) است.)
البلد - 14

[يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ] ((خاصه) به یتیمی خویشاوند.) البلد - 15

[أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ] (یا به مستمندی خاك نشین.) البلد - 16

آیات فوق به طور صریح ، مکارم اخلاق ، مانند آزاد کردن انسان از بردگی انسان و دستگیری نمودن از گرسنگان در ایام قحط سالی ، و احسان با یتیمان و مساعدت کردن با مسکین خاکسار را راه نجات ولی توأم با مشکلات معرفی نمود.

[إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا] (آدمی کمطافت و ناشکیبا ، آفریده شده است.) المعارج - 19

[إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا] (هنگامی که بدی بدو رو می کند ، سخت بی تاب و بیقرار می گردد.) المعارج - 20

[وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا] (و زمانی که خوبی بدو رو می کند ، سخت (از حسنات و خیرات دست باز

می دارد و) دریغ می ورزد.) المعارج - 21

[إِلَّا الْمُصَلِّينَ] (مگر نمازگزاران) المعارج - 22

[الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ] (نمازگزارانی که همیشه نماز خود را به موقع می خوانند و بر آن

مداومت و مواظبت دارند.) المعارج - 23

[وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ] (همان کسانی که در دارائی ایشان سهم مشخصی است.)
المعارج - 24

[لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ] (برای دادن به گدا و بی چیز.) المعارج - 25

چون مشکلات عاید حال آدمی شود ، مضطرب و آشفته و بیصبر می گردد ، ولی چون به سهولت و فراخی نایل گردد ، بخل ورزیده مساکین و محتاجین را رعایت نمی کند ، و این وضع شامل همه جوامع بشری می گردد ، ولی چون ایمان درهائیش را به روی انسان باز نماید ، احساس و عاطفه وی را متوجه مسئولیت های اجتماعی نموده و تا مرز قربانی و ایثار وادار به اداء حقوق همونوع می کند.

ایمان ، آگاهی و آگاهی ، احساس و احساس ، مسئولیت و مسئولیت ، قیام و قیام ، نظام و نظام
نبوه خود ، عدل و انصاف را پدید می آورد ، پس تأثیر اصلاحی ایمان حقیقی بر جامعه یا بطور آنی و یا
به شکل تدریجی ولی حتمی و مسلم است .

و رسالتمند کسی است که میان وی و جامعه پلی مستحکم عملی برقرار باشد ، با این بینش که کامیابی مبارز و جامعه با همدیگر وابستگی ناگسستنی دارد ، ولی از یکسو برای رفاه و آسایش بشریت سعی می نماید ، و از جانب دیگر در الگو سازی امت بذل مساعی می ورزد.

تعاون و همکاری در جامعه اسلامی امری لازمی بوده ، بدون آن افراد جامعه از ادای مسئولیت های فردی و اجتماعی عاجز آمده و ضایع گردیده و بسوی تباهی می روند.

[عن أبی موسی رضی الله عنه قال : قال رسول الله صلی الله علیه وسلم المؤمن للمؤمن کالبنيان یشدُّ بعضُهُ بعضاً ، و شبکَ بَینَ أصابعِهِ]

(از ابو موسی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : مسلمان برای مسلمان یعنی رابطه مسلمانها با همدیگر در تعاون و همکاری چون ساختمانی است که برخی ، برخی دیگر را محکم می سازد.

سپس آن حضرت صلی الله علیه وسلم انگشت های خود را به همدیگر در آوردند. (شبکه کردند). متفق علیه

قرطبی می گوید : (این حدیث تمثیل است و در آن به همکاری و کمک مسلمان به مسلمین تشویق صورت گرفته است ، زیرا تعمیر و ساختمان زمانی استوار می ماند که اجزای آن بهم چسپیده و محکم باشد ورنه خراب و ویران می شود ، همینگونه مسلمان بدون همکاری و یاری مسلمان امور دین و دنیای خود را بدرستی انجام داده نمی تواند و نه به تنهایی می تواند به مصالح خویش پرداخته و در برابر ضررها مقاومت کند و در نتیجه کار دین و دنیایش انجام نشده و نیست و نابود می شود).

احادیث بسیار زیادی دلالت به اجتماعی بودن دین اسلام می نماید که در این مختصر به عنوان نمونه به نقل چند حدیث شریف ذیل اکتفاء می کنیم : [عن جریر بن عبد الله رضی الله عنه قال : قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم : مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمَهُ اللهُ]

(از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : کسی که بر مردم رحم نکند خدا بر او رحم نمی کند). متفق علیه

تعالیم والای اسلام حمل سلاح را بدون هدف و برای تفوق طلبی و اظهار برتری بر دیگران منع می فرماید ، زیرا این کار از جمله مظاهر تکبر بوده و حقوق جامعه را پامال می کند : [عن أبی موسی رضی الله عنه قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم : مَنْ مَرَّ فِی شَیْءٍ مِنْ مَسَاجِدِنَا ، أَوْ

أَسْوَاقِنَا وَ مَعَهُ نَبَلٌ قَلِيمٌ سِکِّ ، أَوْ لَیْقِیْضٌ عَلَی نِصَالِهَا یَکْفَهُ أَنْ یُصِیْبَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ مِنْهَا بِشَیْءٍ] [

(از ابو موسی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : آنکه در گوشه از مساجد یا بازارهای ما مرور می کند و همراهش تیری است پس باید که تیر را محکم گیرد یا اینکه نصال (آهن سرتیر) آن را به دستش بگیرد مبادا که کدام مسلمانی را از آن ضرری رسد) متفق علیه

ارشاد فوق الذکر پیامبر اسلام علیه الصلاة والسلام همه انواع ضرر رسانی را در بر میگیرد.

[عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا يَبِيعَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ ، وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا ، الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَحْفَرُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ . التَّقْوَى هَهُنَا - وَ يُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - يَحَسْبُ امْرَأً مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْفَرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ ، دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عِرْضُهُ]

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود : با همدیگر حسد نکند و با همدیگر بیع نجش نماید {نجش آنست که در قیمت متاع بیفزاید در حالیکه قصد خرید ندارد برای اینکه دیگری را بفربد} و با همدیگر بغض و کینه نکند و به هم پشت نگردانید ، و بعضی شما بر فروش بعضی دیگر نفروشد (مثل اینکه شخصی برای آنکه مالی را خریده و هنوز در مدت خیار قرار دارد بگوید مال او را خریداری مکن من بهتر از آن را به قیمتی ارزانتر از آن برایت میدهم) ای بندگان خدا ! با هم برادر باشید ، مسلمان برادر مسلمان است ، بر او ظلم نمی کند. او را تحقیر نموده و خوارش نمی سازد. تقوی اینجاست - به سینه اش اشارت کرده ، و سه بار این سخن را تکرار نمود - برای شخص مسلمان این بدی کافیهست که برادر مسلمانش را تحقیر کند. همه مسلمان بر مسلمان حرام است ، خون او و مال او و آبرویش) (مسلم)

دین مبین اسلام مسلمانان را مانند یک وجود می داند ، چنانچه در حدیث وارد است [المسلمون کالجسد الواحد] .

بنابراین آنچه را مسلمان برای خودش دوست میدارد ، برای برادر مسلمانش هم می پسندد ، و از کمال ایمان این است که هر چه را برای خودش دوست ندارد برای دیگران هم نپسندد. اینگونه محاسن اخلاق و تواضع و ایثار و وفا را در حدیث شریف ذیل توجه فرمایید : [عَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ : لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ] (از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: مؤمن کامل شمرده نمی شود یکی از شما تا دوست بدارد برای برادرش ، آنچه را که برای خود دوست میدارد). متفق علیه

و همچنان : [عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ : مَنْ نَفَسَ عَنِ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا ، نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَ مَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَ مَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَ اللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ ...] (از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم

فرمود : کسی که مشکلی از مشکلات دنیوی مؤمنی را بگشاید ، خداوند مشکلی از مشکلات روز قیامت او را میگشاید ، و کسیکه با شخص تنگدستی سهل گیری کند ، خداوند در دنیا و قیامت با

او سهلگیری می کند و کسی که عیب مسلمانی را بپوشد ، خداوند در دنیا و آخرت عیب او را می پوشد و خداوند در صدد کمک بنده است تا لحظه ای که بنده در صدد کمک به برادرش باشد ...) مسلم

خلاصه هر گونه خدمت برای جامعه ، اگر بخاطر رضای الله باشد در حقیقت دارای اجر و ثواب بوده ، عبادت محسوب می گردد ، که متاسفانه در عصر حاضر در این خصوص سهل انگاری صورت می گیرد.

هر گاه احسان و تعاون در میان افراد یک جامعه عام گردد ، خداوند متعال مشاکل را از راه آنها بر میدارد ، ولی انعدام احسان همگانی به انعدام آسایش و همزیستی مسالمت آمیز انجامیده جامعه را بسوی چنان بربریسیم (barbarism) سوق میدهد که نابسامانی های آن بیشتر از بربریت وحشی ها خواهد بود.

احسان در جوامع بشری یک جانیه نیست که همیشه گرفته شود ، بلکه باید احسان نمایی تا متقابلا آنرا کسب نمایی.

هر گاه ارکان چهار گانه عملی اسلام یعنی (نماز - زکات - روزه و حج) را مطالعه کنیم بالاخره در می یابیم که بر دو محور می چرخند ، محور اول : شخص انجام دهنده این ارکان .

و محور دوم : جامعه ای که شخص انجام دهنده در آن زیست می کند ، کسیکه حدیث شریف ذیل را می خواند ، خطر رعایت نکردن حقوق جامعه را پی می برد : [أَتَدْرُونَ مَنْ الْمُفْلِسُ ؟ قَالُوا : الْمُفْلِسُ فِينَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَ وَلَا مَتَاعَ فَقَالَ : إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَصَلَاةً وَ صِيَامً وَ زَكَاةً ، وَ يَأْتِي قَدْ شَتَمَ هَذَا ، وَ قَذَفَ هَذَا ، وَ أَكَلَ مَالَ هَذَا ، وَ سَفَكَ دَمَ هَذَا ، وَ ضَرَبَ هَذَا ، فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ وَ هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ ، فَإِنْ فَيَبْتَ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يَقْضَى مَا عَلَيْهِ ، أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرْحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ] (از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود : آیا میدانید که مفلس کیست؟ گفتند : مفلس در میان ما کسی است که درهم و متاعی ندارد. آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمود : مفلس در میان امت کسی است که در روز قیامت با نماز و روزه و زکات می آید ، در حالیکه این را دشنام داده و این را به زنا متهم ساخته ، مال این را خورده ، خون این را ریخته و این را زده است ، پس به این از نیکی ها و حسناتش داده می شود و به این هم از حسنات و نیکی هایش داده می شود ، اگر حسناتش قبل از ادای حقوقی که بر وی است تمام شود ، از گناهان شان گرفته شده و بر دوشش نهاده شده و سپس به آتش افکنده می شود) . مسلم

ای برادران ! آیا ندیدید که این شخص عابد با وجود نماز ، روزه ، زکات ، و غیره اقسام عبادات چون به محرمات اجتماعی آلوده شده ، و حقوق العباد را نادیده گرفته به بندگان خدا تجاوز نمود ، بالاخره

رهسپار نار جهنم گردید.

کاش این عابد می دانست که زنی به سبب حبس نمودن یک گربه که از طعام محرومش نموده بود ، داخل دوزخ شد. و زنی دیگری که گنهکار هم بود به سبب آب دادن به یک سگ تشنه مورد مغفرت الهی قرار گرفت.

آیا جامعه انسانی مستحق اهتمام بیشتر نیست؟؟؟

عبادت بجز خدمت خلق نیست
به تسبیح و سجاده و دلچ نیست
(سعدی رح)

رعایت نمودن واجبات و آداب اجتماعی از لوازم و مقتضیات عقیده اسلامی است ، از نظر دین مبین اسلام حقد و حسد در بین دو مؤمن و مسلمان ، اگر چه به دلیل تقصیر و گناه جانب مقابل هم باشد ، غیر قابل تصور است ، و هر گاه دو برادر ایمانی با همدیگر خصومت داشته باشند ، وظیفه دیگران است تا جهت اصلاح جانبین سعی ورزند و در اثنای این عمل اصلاحی ، خوف خدا باعث شود تا حقیقت پامال نگردد.

الله متعال می فرماید : [إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ] (فقط مؤمنان برادران همدیگرند ، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید ، و از خدا ترس و پروا داشته باشید ، تا به شما رحم شود). الحجرات - 10
بنابراین این تصور محال است که مسلمان بر مسلمان ظلم و ستم روا دارد ، و یا در حق او کوتاهی و تقصیری کند و یا برای وی مشکلی را ایجاد نماید. و خودش بی غم به خانه اش خوابیده از خیانت و جنایت خود در حق انسانیت و برادر هم عقیده اش هیچ نگرانی و اندوهی نداشته باشد.

عقیده سالم مؤثر قادر به ایجاد تغییر ، و فهم سلیم و عمیق از فرهنگ اسلام ، که معنویت نظیف و آگاهی کافی از واجبات و آداب اجتماعی جزء لاینفک آن است ، از جمله اصول اساسی جامعه کامیاب محسوب می گردد، تطهیر فرد از امراض باطنی مانند : کبر غضب ، حقد ، حسد ، سؤظن و غیره ، همچنان تطهیر جامعه از بیماری های ظاهری مانند : ظلم ، رشوت ، تجسس ، غیبت ، نیمه ، فریب و غیره ، از وظایف فردی و اجتماعی مؤمن به شمار می رود ، زیرا تهذیب و تطهیر روحی شخص توأم با رعایت کردن معیارهای تربیوی اجتماعی ، راه جامعه را بسوی آینده ایجابی و فعال هموار می نماید.
عدم اهتمام به واجبات اجتماعی و عدم رعایت حقوق جامعه و عدم ایجاد روابط برادری در میان

مسلمانان ، باعث فقدان عدل و انصاف شده ، روابط انسانی را متلاشی می کند ، در حالیکه خداوند تبارک و تعالی چنگ زدن به قرآن مجید را توأم با اتحاد و اتفاق فرمان میدهد تا حیات اجتماعی دارای پیوندهای مستحکم ایمانی و انسانی گردد :

[وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْهِمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِيَعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ] (و همگی به رشته (ناگسستنی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدان گاه که (برای همدیگر) دشمنانی بودید و خدا میان دل‌هایتان (انس و الفت برقرار و آنها را به هم) پیوند داد ، پس (در پرتو نعمت او برای هم) برادرانی شدید ، و (همچنین شما با بت‌پرستی و شرکی که داشتید) بر لبه گودالی از آتش (دوزخ) بودید (و هر آن با فرا رسیدن مرگتان بیم فرو افتادنتان در آن می‌رفت) ولی شما را از آن رهانید (و به ساحل ایمان رسانید) ، خداوند این چنین برایتان آیات خود را آشکار می‌سازد ، شاید که هدایت شوید) آل عمران - 103 و چون نزاع از مقدمات تفرقه به شمار رفته ، سبب کاستن وحدت و عزت و شکوه جامعه می گردد ، لذا از آن ممانعت صورت گرفته است :

[وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ] (و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید و (در میان خود اختلاف و) کشمکش مکنید ، (که اگر کشمکش کنید) درمانده و ناتوان می‌شوید و شکوه و هیبت شما از میان می‌رود (و ترس و هراسی از شما نمی‌شود) .

شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است) . انفال - 46

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَفْصَةَ